

## بررسی جرم کودک‌آزاری از دیدگاه قانون مجازات اسلامی و فقه امامیه

حبيب الله طاهري<sup>۱\*</sup>، ثريا قنبري کرمانشاهي<sup>۲</sup>

۱. دانشيار دانشکده فقه و فلسفه، پردیس قم، دانشگاه تهران

۲. کارشناس ارشد الهیات، فقه و حقوق اسلامی پردیس قم، دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۸۹/۳/۱۴؛ تاریخ تصویب: ۸۹/۹/۲۷)

### چکیده

هر جنایتی که در جامعه رخ می‌دهد، هرچند کوچک، ابتدا جامعه را به خطر می‌اندازد و موجب بی‌نظمی و ایجاد ناهنجاری در جامعه شده و در وهله دوم در اذهان مردم برای مجنی علیه احساس ترحم می‌کند. اگر این جنایت را در کودکان تصویر کنیم، انتظار ما از جامعه این است که به سرعت آن را حل و فصل کند. تحقیق ما در مورد بزهکاری اطفال و مجرم نمودن صغار نیست، بلکه چگونگی وقوع جرایم علیه اطفال جامعه و به عبارتی عواملی است که موجب می‌شود اطفال قربانی جرم و بزه دیده شوند. انواع آزار و جرایم علیه آن‌ها؛ جایگاه کودک‌آزاری در قوانین جاری و راهکارهای مبارزه با این پدیده نیز مورد بحث و مطالعه قرار گرفته است. کودک‌آزاری امروز در غالب کشورهای جهان مورد بررسی قرار می‌گیرد، به نحوی که در کنار دادگاه‌های اطفال سازمان‌های مجهزی به منظور کمک و حمایت نسبت به کودکانی که مورد تعدی و ظلم و جور اولیا، سرپرستان و مربیان خود قرار گرفته‌اند؛ وجود دارد. در کشور ما نیز قانون حمایت از کودکان بی سرپرست در سال‌های ۱۳۵۳ به تصویب رسیده است؛ ولی این قانون نتوانسته است جهت درمان این قبیل فرزندان که به اصطلاح تحت حضانت و نگهداری والدین هستند؛ ولی عملاً جزو فراموش شدگان جامعه می‌باشند؛ به عنوان دارویی مؤثر عمل کند.

### واژگان کلیدی

تأديب، کودک، کودک‌آزاری، معيار تمیز، پژوهش‌های فقهی و مطالعات فقهی  
رتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

کودک هنگام تولد موجود ناتوانی است که برای پیمودن مسیر زندگی مستقل؛ به حمایت خانوادگی نیازی مبرم دارد. به طور کلی اگر به این حمایت خصوصاً در سال‌های اولیه زندگی خدشه وارد شود، ادامه زندگی سالم وی با مخاطره بسیار جدی مواجه می‌شود. در این دوران، کودک، چگونگی زندگی مستقل، توجه به دیگران، رعایت حق و حقوق سایر افراد و نظم و انضباط را در یک محیط پویا و صمیمی چون خانواده فرا می‌گیرد. محیط خانواده خصوصاً والدین اولین آموزگاران، دوستان و همراه کودک هستند. رفاه و سلامت کودک به موقعیت کل خانواده، یعنی پدر و مادر و خواهر و برادر و بستگان و کسانی که پرستاری او را به عهده دارند، بستگی پیدا می‌کند؛ اما مادر و پدر در این زمینه نقش مهمی دارا می‌باشند.

والدین باید بتوانند نیازهای آینده کودک (اعم از نیازهای مادی و معنوی) را دریابند و به آن پاسخ مناسب بدهند. میزان وابستگی و علاقه بین والدین و کودک، توانایی او را برای یادگیری و افزایش مطالب جدید بالا می‌برد، در حالی که بد رفتاری با کودک و عدم توجه به نیازهای او می‌تواند باعث ایجاد اختلالات روان‌شناختی، همانند پرخاشگری در بزرگسالی شود (دلوچی، ۱۳۷۵، ص ۲).

قبل از شناخت کودک آزاری، ضروری است بدانیم کودک به چه کسی اطلاق می‌شود و محدوده سنی معرفی شده برای کودکان در قانون و شرع و نیز جرم‌شناسان کدام فاصله زمانی است.

## مفهوم طفل از نظر اسلام

کودک، در فقه اسلامی به کسی اطلاق می‌شود که هنوز به سن بلوغ نرسیده باشد. دوران کودکی از نظر اسلام دارای دو مرحله است: پیش از تمیز و تمیز. برای تشخیص

قوه تمیز در کودکان ملاک و معیار چندان روشنی وجود ندارد و فقط از طریق متخصصان مربوط، امکان شناخت و تشخیص آن ممکن است. بعضی از فقهای اسلامی در مسأله ضمانت و میزان مسئولیت اطفال در احکام مختلف، تفاوت‌هایی قائل شده‌اند. برخی بین امر مدنی و کیفری تفاوت‌هایی دانسته و برخی دیگر احکامی را که در آن‌ها قصد و نیت معتبر نیست، درباره کودک ثابت می‌دانند و او را در صورتی که چیزی را تلف کند، ضامن می‌شمارند؛ اما احکامی را که نیت و قصد در آن‌ها شرط است، واجب نمی‌دانند؛ یا فقط در صورتی که کودک نزدیک به سن بلوغ باشد، آن را واجب یا مستحب می‌شمارند. برخی دیگر از فقها این سخن را نپذیرفته، با توجه به «حدیث رفع»، کودک را مرفوع القلم می‌دانند و با استناد به دو حدیث که از طریق شیعه و سنی از قول پیامبر اکرم ﷺ نقل شده و به حدیث رفع مشهور می‌باشد؛ بعضی از اشخاص از جمله کودکان (غیر بالغ) را فاقد مسئولیت و تکلیف دانسته‌اند:

۱. «رفع عن امتی تسع خصال: الخطا و النسیان و ما لا یعلمون و ما لا یطیقون و ما اضطروا الیه و ما استکرها علیہ و الطیره و الوسوسه فی التفکر فی الخلق و الحسد ما لم یظهر بلسان او ید» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۴۶۳)؛ از امت من نه چیز برداشته شده است: اشتباه، فراموشی، آن چه نمی‌دانند، آن چه بر آن قدرت ندارند، اضطراب، اکراه و اجبار، فال زدن، حسد ورزیدن، سوءظن تا زمانی که بر زبان جاری نشده باشد.
۲. «ان القلم رفع عن ثلاثه: عن الصبی حتی یحتلم، عن المجنون حتی یفیک و عن النائم حتی یتیقظ» (حر عاملی، ۱۳۸۸، ق، ج ۱، ص ۲۲)؛ از سه گروه رفع قلم شده است:

- کودک تا محتمل شود؛

- دیوانه تا معالجه شود؛

- انسان خواب تا بیدار شود.

### طفل از نظر قانونی

قوانین ایران تعریف جامع و مانعی از کودک ارائه نداده است؛ در نتیجه مرز کودکی

و بزرگی نامشخص است. در پاره‌ای از مواد قانون، پایان کودکی رسیدن به سن بلوغ است که شاخصه آن جسمانی است. در پاره‌ای از مواد قانونی دیگر، پایان دوره کودکی رسیدن به سن رشد است که شاخصه آن داشتن قدرت عقل و دفاعی است. در مواردی هم قانونگذار حداقل سن را برای اشتغال در مراکز تولیدی تعیین کرده و همچنین در مواردی از قانون حداقل سن برای شرکت در انتخابات و همه پرس‌های اعلام شده است. در همه حال این هرج و مرج قانونی که ناشی از خلاء یک تعریف جامع و کامل از کودک است، ابتدائاً مانع کار پژوهشگرانی می‌شود که حقوق کودک و حمایت از او را مورد توجه دارند. آنان ابتدا تلاش می‌ورزند تا کشف کنند به موجب قوانین ایران چه کسی کودک است و چه کسی بزرگسال.

از نظر معاهده حقوق کودک، منظور از طفل، فرد زیر ۱۸ سال است، مگر این که سن بلوغ طبق قانون قابل اجرای داخلی کم‌تر تشخیص داده شود. بنابراین، طبق این معاهده تشخیص این که طفل کیست، در قوانین داخلی هر کشور متفاوت خواهد بود باید توجه داشت در برخی از کشورها، طفل شخصی است که از نظر سنی پایین‌تر از معیار مشخص شده در معاهده حقوق کودک است و این مسأله خود موجب نادیده گرفتن حقوق طفل خواهد شد. در معاهده مذکور، اصطلاح طفل به کار برده شده است؛ ولی در دیگر اسناد سازمان ملل متحد که به اطفال بزهکار ناظر می‌باشد، اصطلاح نوجوانان جایگزین گردیده و در هنگام تعریف مقرر شده است: «نوجوان، کودک یا فرد نوجوانی است که در نظام حقوقی خاص ممکن است به علت ارتکاب جرم به نحوی با او رفتار شود که با رفتار با بزرگسالان متفاوت باشد» (منصور، ۱۳۶۲، ص ۱۴۴). در جای دیگر آمده است: هر شخص زیر ۱۸ سال نوجوان نامیده می‌شود. در معاهده حقوق کودک، سن طفل، زیر ۱۸ سال تبیین شده، ولی چون به حقوق داخلی در این زمینه منوط شده است؛ باید معیارهای مناسب ملی در نظر گرفته شود و منافع اطفال نیز لحاظ گردد. به این منظور در نظام حقوقی که مفهوم سن مسئولیت کیفری را برای نوجوانان پذیرفته‌اند، شروع آن سن نباید در سطح بسیار پایینی باشد و واقعیت‌های

مربوط به بلوغ عاطفی ذهنی و عقلی باید مورد نظر قرار گیرد. بنابراین، باید تلاش نمود تا برای تعیین پایین‌ترین محدوده سنی معقول که از لحاظ بین‌المللی قابل اجرا باشد، توافق حاصل گردد تا اطفال نوجوانان و جوانان بتوانند با معیارهای خاص در سطح بین‌المللی مشخص گردند و به احقاق حق خود نایل آیند. باید توجه کرد که ماده ۱ معاهده حقوق کودک سن طفل را به طور کلی بیان نموده و در این زمینه بین وضعیت حقوق و کیفری اطفال تفاوتی قایل نشده است؛ ولی با تجزیه و تحلیل مفاد معاهده حقوق کودک استنباط می‌گردد که واضعان این معاهده، در مواردی که به حقوق کیفری اطفال توجه می‌کنند، سن ۱۸ را ملاک می‌دانند و این مورد را به قوانین داخلی و ملی منوط نمی‌دانند. بند الف ماده ۱ معاهده حقوق کودک تصریح می‌کند که برای اطفال زیر ۱۸ سال نباید مجازات سنگین، مثل اعدام در نظر گرفت و همچنین مجازات حبس ابد (بدون امکان بخشودگی و عفو) را در این مورد ممنوع اعلام می‌دارد که خود مثبت این ادعاست.

با توجه به این موارد، در می‌یابیم که مقررات اسناد سازمان ملل متحد (اسناد لازم الاجرا و اسناد ارشادی) که برای اطفال بزهکار در نظر گرفته شده، به افراد تا ۱۸ سال مربوط است. البته در این اسناد گاهی اصطلاح طفل گاه نوجوان و در برخی موارد لفظ جوان به کار برده شده که از میان این عناوین، جوان در اسناد مذکور تعریف نشده؛ ولی مفهوم طفل و نوجوان به طور کامل تبیین گردیده است؛ هر چند در تعریف نوجوان به این مورد اشاره شده که نوجوان اعم است از کودک و جوان. ممکن است منظور نویسندگان این قواعد از کاربرد لفظ جوان اطفال بزرگسال باشد؛ زیرا به طور کلی می‌توانیم اطفال را به دو دسته کمسال و بزرگسال تقسیم کنیم که به هر حال، طفل بزرگسال می‌تواند شامل جوان و نوجوان باشد. طفل، هم اکنون در قانون مدنی ایران، به ویژه در پرتو تحولات پس از انقلاب اسلامی و نیز مفهوم مسئولیت کیفری آن در قانون مجازات اسلامی دستخوش تغییرات گسترده‌ای بوده است. این تغییرات بر اندیشه قضات، رویه قضایی و به طور کلی سیاست جنایی قضایی آثاری گسترده داشته است (نجفی توانا، ۱۳۸۲، ص ۲۹).

## مفهوم تأدیب

در اسلام، کیفر و مجازات بر دو عنصر اساسی، یعنی علم و اختیار استوار است. به همین دلیل، احکام کیفری نسبت به کودکان و نوجوانان متناسب با مراحل که کودک از هنگام تولد تا زمان بلوغ پشت سر می‌گذارد، متفاوت است:

الف) مرحله فقدان ادراک: طفل در این مرحله «غیر ممیز» نامیده می‌شود. این مرحله از تولد آغاز می‌شود و بیش‌تر کودکان با رسیدن به هفت سالگی این مرحله را به پایان می‌رسانند (محقق حلی، ۱۳۸۹ ق، ص ۴۱۳).

ب) مرحله ادارک ضعیف و ناقص: کودک را در این مرحله «صبی ممیز» می‌نامند؛ یعنی اجمالاً قدرت دارد سود و زیان خود را تشخیص دهد. این مرحله به طور معمول از هفت سالگی آغاز می‌شود و تا رسیدن به سن بلوغ ادامه می‌یابد (نجفی، ۱۴۰۸ ق، ص ۴۱۳).

ج) مرحله ادراک تام: انسان در این مرحله «بالغ و رشید» نامیده می‌شود. به نظر مشهور فقها سن بلوغ در پسران از پانزده سالگی و در دختران از نه سالگی شروع می‌شود. سؤال مشخص آن است که آیا انسان در مراحل سه‌گانه در برابر جرایم و اعمالش مسئول است و کیفر می‌گردد؟ بی‌شک کودک در مرحله اول مسئولیت کیفری ندارد و هیچ‌یک از انواع مجازات، اعم از حدود، قصاص، تعزیرات (عراقی، ۱۴۰۸ ق، ص ۹) و تأدیب بر وی اجرا نمی‌شود؛ زیرا در این مرحله به تشخیص امور قادر نیست و به اهدافی که در اجرای مجازات‌ها مورد نظر است، توجه ندارد (محقق کمپانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ص ۳۹۴).

محمد بن مسلم می‌گوید: از امام باقر علیه السلام راجع به کودکی که دزدی کرده بود، سؤال کردم. امام فرمودند: «اگر هفت سال یا کم‌تر دارد، مجازات از او برداشته شده است» (حر عاملی، ۱۳۸۸ ق، ج ۱۸، ص ۵۲۵). در مرحله سوم، هر کس در برابر جرائمی که مرتکب می‌شود، مسئول است. مرحله دوم مورد اختلاف است: آیا صبی ممیز و همچنین آن دسته از مجانی‌هایی که اجمالاً قدرت تشخیص دارند، مستحق تعزیر هستند یا

خیر؟ از یک سو به اتفاق نظر فقها، بلوغ، عقل و علم از شرایط جواز اجرای حدود و قصاص است و این دو کیفر، بر غیر بالغ و مجنون قطعاً اجرا نمی‌گردد. از سویی دیگر، در ادله فقهی و عبارات فقها در زمینه مجازات صبی ممیز و مجنون و بازداشتن آنها از ارتکاب فحشا و وارد نمودن به راه صواب؛ از واژه «تأدیب» استفاده شده است که در این‌گونه موارد، به معنای عقوبت است. آیا مقصود از تأدیب همان تعزیر است، یا معنایی اعم از تعزیر مورد نظر است؟ مسئول اقامه تأدیب بر صبی و مجنون کیست؟ اصولاً آیا تأدیب بر غیر صبی ممیز، مانند زوجه ناشزه اجرا می‌گردد یا خیر؟ معیار در تعیین مقدار تأدیب و نیز زمان اجرای آن چیست؟ آیا تلف شدن بر اثر اجرای تأدیب ضمان آور است یا خیر؟ در یک نگاه اولیه می‌توان ادعا کرد که در ادله فقهی (روایات) و کلمات فقها واژه تأدیب در دو مورد به کار گرفته است:

۱. در موردی که صبی ممیز یا مجنون مرتکب جرایمی گردند که اگر اشخاص بالغ و عاقل آن را مرتکب شوند، مستحق مجازات حد می‌گردند؛ مانند زنا، سرقت، لواط و ... .

۲. مورد دوم تأدیب، در تخلف از اموری است که قوانین شرع، انجام دادن یا ترک آن از سوی صبی را به عنوان حکم استجابی بر شمرده است؛ مانند این که طبق روایات به اولیای اطفال امر شده است که از هفت سالگی و بعد از آن، آنها را به انجام دادن نماز و روزه، ادای اسلام و به طور کلی اجرای آداب و رسوم دینی که بر پایه عقل و منطق استوار است، وادار سازند و در صورت مخالفت به وسیله ضرب، آنها را تأدیب نمایند (حر عاملی، ۱۳۸۸ ق، ج ۳، ص ۱۳).

مقصود از تأدیب در مورد اول، عقوبت شرعی و نوع خاصی از تعزیر است. به عبارت دیگر، تأدیب، تعزیری است که از تعزیر اشخاص بالغ و عاقل خفیف‌تر باشد و به عنوان مجازات اطفالی که به مرحله بلوغ نزدیک هستند و نیز آن دسته از مجانینی که اجمالاً قدرت تشخیص دارند، در نظر گرفته شده است. به استناد برخی از روایات، مانند حدیث رفع قلم که مفاد آن مورد قبول فقهاست و بسیاری از آنها طبق آن فتوا

داده‌اند، صبی و مجنون مسئولیت کیفری ندارند و قطعاً همانند اشخاص بالغ و عاقل تعقیب و مجازات نمی‌شوند. از سویی دیگر، به استناد برخی از روایات مستفیضه، مجازات صبی و مجنون در صورت ارتکاب جرم با شرایط خاص تجویز شده است و بسیاری از فقها طبق آن فتوا داده‌اند. در این دسته از روایات، تأدیبات بر تعزیر اطلاق شده است (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۷، ص ۱۷۰). جمع بین این دو دسته روایات اقتضا دارد که قائل شویم تأدیبات، نوع خاصی از تعزیر است که در بعضی از احکام با تعزیری که بر افراد بالغ و عاقل تحمیل می‌شود، مشترک است و همان‌گونه که ذکر کردیم، با آن تفاوت‌هایی نیز دارد؛ مانند این که فقها معتقدند در تعزیر ضمان نیست، به خلاف تأدیبات که اگر به فوت یا نقص عضو منجر شود، مؤدب (تأدیبات کننده) ضامن است. با این توضیح می‌توان تعزیر را به دو قسم تقسیم کرد:

- تعزیر اشخاص بالغ و عاقل؛

- تعزیر اطفال و مجانین (تعزیر تادیبی) که تأدیبات نیز بر آن اطلاق می‌شود (محقق ثانی، ۱۴۰۸ق، ص ۵۰).

هر یک از این دو، احکام اختصاصی مربوط به خود را دارا می‌باشد؛ شبیه حدود مختلف که در بعضی از احکام با یکدیگر مشترک و در بعضی متفاوت اند. مقصود از تأدیبات در مورد دوم، مرحله‌ای خاص از تربیت است؛ یعنی اگر روش‌های دیگر تربیتی از قبیل نصیحت، تشویق، تهدید و ... موثر واقع نشد و اولیای اطفال اقداماتی شبیه آنان را در جهت کسب سعادت و اخلاق نیک، مؤثر تشخیص دهند، می‌توانند به انجام دادن آن پردازند. روشن است که این قسم از تأدیبات را نمی‌توان مجازات و عقوبت نامید؛ زیرا تخلف از آداب و رسوم صحیح اجتماعی و نیز ترک امور مستحبی دینی، آن هم نسبت به طفل ممیز جرم و معصیت محسوب نمی‌شود تا به عنوان مجازات تأدیبات گردد.

### مسئولیت پدر در تأدیبات فرزند

بعضی از روایات، تأدیبات فرزندان را از وظایف پدران آنها و از جمله حقوقی که



پدر به رعایت آن ملزم است، می‌دانند و دلالت دارند که باید اولیای اطفال، آنها را در جهت کسب اخلاق نیک و عادات پسندیده تربیت و تأدیب نمایند و از آن چه به حالشان مضر است، بازدارند.

امام زین العابدین علیه السلام در این باره به درگاه الهی عرضه می‌دارد:

«و اعنی علی تربیتهم و تأدیبهم و برهم (صحیفه سجادیه، دعای شماره ۲۵)؛ خدایا! مرا

بر تربیت، تأدیب و نیکی بر فرزندانم یاری کن.»

همچنین آن حضرت در کلمات معروفی که تحت عنوان رساله حقوق شهرت یافته است، خطاب به پدران می‌فرماید: حق فرزندان آن است که او را از خود بدانی، به نحوی که کردار زشت و زیبایش را در دنیا از خود محسوب کنی. او را به بهترین وجه ادب نمایی و در جهت اطاعت از پروردگار متعال راهنمایی و کمک بخواهی؛ زیرا اگر خدا را اطاعت کند، از بهره اعمالش استفاده می‌بری و اگر به مخالفت برخیزد، عقوبت می‌گردد.... این وظیفه سنگین را به نیکی به انجام برسان تا در مقابل پروردگار معذور باشی و برای اعمال خویش حجت و دلیل داشته باشی.

ادب و تأدیب در این کلمات، معنایی است فراگیر که معنای مورد بحث را نیز شامل می‌گردد. ادب دارای مراتبی است و مرتبه‌ای از آن تأدیب به معنای مجازات است؛ یعنی اگر اموری از قبیل نصیحت، موعظه، تشویق، تهدید و ... موثر واقع نشد، باید برای جلوگیری از مفاسد فرزندان و سوق دادن آنان به نیکی از اهرم تأدیب استفاده شود. در غیر این صورت، پدر به وظیفه خود عمل نکرده است و به فرموده امام سجاده علیه السلام عقوبت می‌گردد. این دسته از روایات علاوه بر این که ولایت پدران بر تأدیب فرزندان را اثبات می‌کند، انجام دادن این وظیفه را لازم می‌شمرد و به دلیل قوت و شهرت مضمون آنها، به ویژه کلماتی که از امام سجاده علیه السلام بیان گردید، می‌توانند مورد نظر قرار گیرند و به تصحیح نیاز ندارند (نوری، ۱۴۰۸ ق، ص ۸۵).

### مفهوم کودک‌آزاری

کودک‌آزاری در ایران، مبحث نسبتاً جدید و تازه‌ای است؛ اما طرح این موضوع در

کشورهای اروپایی قدمت بیش‌تری دارد. پس از مطرح شدن مفهوم کودک‌آزاری، از سوی کارشناسان و صاحب نظران علوم روان شناختی تربیتی تعاریف متعددی عنوان شد و هر یک این پدیده را از زاویه دید خود تعریف کرد. در مجموع، کودک‌آزاری در معنای گسترده خود، تجاوز به حقوق قانونی کودکان و رساندن صدمه جسمانی و روانی به آن هاست که بیش‌تر از سوی والدین صورت می‌گیرد. این گونه والدین به علل مختلف، کودک را هدف عواطف خصمانه خویش قرار می‌دهند.

بر اساس تعریف مجله پزشکی قانونی کشور، بد رفتاری و آزار کودکان عبارت است از: هرگونه بد رفتاری با کودکان یا افرادی که در سنین بلوغ به سر می‌برند. این بد رفتاری می‌تواند از طرف پدر، مادر یا محافظان کودک و کسانی که مسئول مراقبت از او هستند، صورت گیرد. کودک‌آزاری پدیده‌ای است که در فرهنگ‌های گوناگون مفهوم دارد. عملی ممکن است در نزد برخی مردم کودک‌آزاری به حساب نیاید؛ اما در نگرش مردمانی با فرهنگ دیگر می‌تواند نوعی کودک‌آزاری تلقی شود. دلیل این امر را باید در این دانست که هیچ معیار بین‌المللی برای تربیت کودک وجود ندارد. برای این که بدانیم چه اعمالی از مصادیق کودک‌آزاری است و ملاک تشخیص اعمال و غفلت و سهل انگاری والدین کدام است، قابل تعیین نیست. برای حل این مشکل باید تعریفی ارائه کرد که مفهوم آن شامل اجتماعات گوناگون بوده و فرهنگ‌های مختلف را در بر می‌گیرد. شاید بهترین و جامع‌ترین تعریفی که در ارتباط با کودک‌آزاری می‌توان ارائه داد، چنین باشد:

«کودک‌آزاری بخشی از آسیب به کودکان است که قدغن بوده، تقریباً منع شده و قابل پیشگیری است و به دست انسان صورت می‌گیرد» (پورناجی، ۱۳۷۸، ص ۴۷).

در مجموع، هر جا که کودک نتواند از امکانات شایسته رشد خود برخوردار باشد، به طور ضمنی مورد کودک‌آزاری قرار گرفته است. سوء استفاده از کودکان به هر شکل، استثمار کودکان در هر زمینه و بی توجهی به کودکان به هر صورت کودک‌آزاری محسوب می‌شود. در یک جمع بندی باید گفت: هر نوع کوتاهی یا غفلت و ارتکاب

عملی که به نحوی به بهداشت و سلامت روانی کودک خطری برساند، یا در آن خدشه وارد کند و مانع رشد بهنجار وی شود، کودک‌آزاری قلمداد می‌شود (شامبیاتی، ۱۳۸۲، ص ۱۹).

## انواع کودک‌آزاری

کودک‌آزاری در اشکال مختلف و متنوعی است؛ مثلاً کودکی که یک بار به دفعات مورد ضرب و شتم و آزار و شکنجه قرار می‌گیرد و آن عبارت است از: حمله فیزیکی به کودک، به طوری که می‌تواند موجب درد، بریدگی، کبودی، شکستگی استخوانی و سایر جراحات و حتی موجب مرگ کودک گردد. اشکال مختلف کودک‌آزاری جسمی عبارتند از: شلاق‌زدن، بستن کودک، کوبیدن او به دیوار، سوزاندن با آب جوش یا مایعات داغ و تکان دادن شدید.

حدود کودک‌آزاری از محروم نمودن کودک از غذا، لباس، سرپناه، محبت پدر و مادر را شامل می‌شود تا مواردی که در آن، کودک از نظر جسمی از سوی یک فرد بالغ مورد آزار و بدرفتاری قرار می‌گیرد که آشکارا به صدمه دیدن و غالباً مرگ آنان منجر می‌شود.

قانون حمایت از کودکان مصوب ۱۹۸۸ آزار بدنی را چنین تعریف می‌کند: آسیب‌دیدن و صدمه کودک زیر ۱۸ سال از سوی والدین یا سرپرست بلافصل وی که مسئول رفاه و آسایش اوست؛ به طوری که سلامت و ایمنی کودک طبق قوانین تدوین شده به وسیله وزارت بهداشت و خدمات انسانی به خطر افتاده باشد.

## کودک‌آزاری جسمی

کودک‌آزاری جسمی عبارت است از: به کارگیری، استفاده و واداشتن کودک به درگیر شدن با هرگونه رفتار روشن جنسی یا نمایش رفتارهای جنسی تجاوز، تماس جنسی، فحشا و هرگونه بهره‌برداری جنسی از کودکان جهت کسب لذایت و ارضای میل جنسی. سوءاستفاده جنسی از کودکان زشت‌ترین و اهانت‌آمیزترین تجربه انسانی است.

سوءاستفاده جنسی کودکان از سوی بزرگسالان در طول تاریخ بشر همواره مطرح بوده است. در این میان، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در پذیرش یا نپذیرفتن این پدیده نقشی تعیین کننده داشته‌اند (آقایگلویی...، ۱۳۸۲، ص ۱۴).

تجاوز به خلوت کودک نیز سوء استفاده جنسی از اوست؛ از جمله دزدانه نگاه کردن به کودک هنگام تعویض لباس و یا استحمام؛ در حالی که هیچ کدام از این رفتارها در تعریف رسمی سوء استفاده جنسی قرار نمی‌گیرد. قربانیان، اغلب احساس تجاوز می‌کنند و از بسیاری از نشانه‌های روان‌شناسی، مشابه قربانیان زنا‌ی با محارم رنج می‌برند.

### کودک‌آزاری عاطفی

کودک‌آزاری عاطفی عبارت است از: هرگونه رفتار نامناسبی که بر عملکرد رفتاری، شناختی، عاطفی و جنسی کودک تأثیر منفی داشته باشد؛ همانند آزارهای کلامی و غیرکلامی، سرزنش یا تحقیر، ناسزاگفتن، مسخره کردن، دست‌انداختن، اعمال مقررات و کنترل شدید و نامعقول، ترساندن کودک از تنبیه بدنی، انتظارات و برخوردهای نامتناسب با سن کودک، به خدمت گرفتن کودک در جهت ارضای نیازهای عاطفی و پاسخ‌های رفتاری غیر قابل پیش بینی والدین که باعث بی ثباتی و دگرگونی شناختی کودک می‌شود. آزارهای عاطفی بر خلاف آزارهای جسمانی بر جسم کودک اثری قابل رویت به جای نمی‌گذارد؛ اما آثار آن‌ها به مراتب عمیق تر و فاجعه‌آمیز است و تا آخر عمر بر روح و روان فرد باقی خواهد ماند. پدر و مادری که دایم فرزند خود را تحقیر می‌کنند؛ در مقام انتقاد از او بر می‌آیند و او را با همسالانش مقایسه می‌کنند و نیز والدینی که برای فرزند خود مقررات و کنترل‌های شدید در نظر می‌گیرند؛ کسانی که بیش از حد کودک از کودک خود انتظار دارند و از او می‌خواهند بزرگسال رفتار کند؛ همگی کودک خود را در معرض فشارهای روحی و روانی شدید قرار می‌دهند (شامبیاتی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۵).

### کودک‌آزاری ناشی از غفلت و مسامحه

کودک‌آزاری ناشی از غفلت و مسامحه عبارت است از: عدم مراقبت و علاقه مندی به کودک، شامل محرومیت از نیازهای اساسی، همانند غذا، پوشاک و محرومیت از اقداماتی که جهت رشد طبیعی و نمو کودک مورد نیاز است و یا کودک را در معرض خطر قرار دادن، مسامحه و غفلت به صورت عدم مراقبت کافی جسمانی و بهداشتی و عدم تأمین نیازهای روحی، هیجانی و آموزش کودک، ترک طفل و به حال خود رها کردن کودک، فقدان محبت کافی، صحبت نکردن با کودک، عدم رسیدگی به وضعیت تحصیلی و بی توجهی به ترک مدرسه و نیز کودک را در معرض خطرات سرما و گرما قرار دادن.

به طور کلی ناتوانی و یا غافل ماندن والدین از توجه و رسیدگی به نیازهای هیجانی و عاطفی کودک مسامحه عاطفی نامیده می‌شود. همچنین غفلت و مسامحه ممکن است در خصوص عوامل جسمی و عدم رسیدگی به وضعیت تغذیه و بهداشت کودک باشد. خصوصیات بارز غفلت فیزیکی شامل علائم کمبود تغذیه‌ای، همانند عفونت‌های پوستی و درماتیت‌های ادراری قنذاق بچه، علائم کمبود ویتامین به صورت بیماری پلاگرا و بربری می‌باشد. مسامحه و سهل انگاری معمولاً همراه با گرسنگی شدید دیده می‌شود و در این حالت عموماً کودک بیش از ۴۰ درصد وزن خود را از دست می‌دهد و به اختلال تغذیه‌ای پروتئینی از نوع مرسموس یا کواشیورکور دچار می‌شود. بر اساس قانون در کشورهای توسعه یافته سهل انگاری والدین تخلف است و آنان تحت پیگرد قضایی قرار می‌گیرند.

### ویژگی‌های خانواده‌های آزارگر

واقعیت آن است که بدرفتاری با کودکان، غالباً بخشی از الگوی خشونت خانوادگی است. دعوا و کتک کاری میان والدین در این قبیل خانواده‌ها امری نسبتاً عادی است. همسرآزاری در این خانواده‌ها به چشم می‌خورد و فرزندان همراه با مادران در مورد آزار جسمی، توهین، ناسزا و تحقیر قرار می‌گیرند. در یک تقسیم بندی کلی باید گفت

خانواده‌های آزارگر دارای ویژگی‌هایی به قرار زیر هستند:

خانواده‌های شلوغ، پر مشکل و ناسازگار فقیر و تهیدست و دارای مسکن‌های کوچک. خانواده‌های فقیر کانون کودک‌آزاری است. چه بسیار خانواده‌ها که به دلیل فقر و تنگدستی فرزندان نوزاد خود را پس از تولد بر سر راه می‌نهند و حاضر به نگهداری آن‌ها حاضر نیستند. در کشورهای فقیر این مساله به صورت فروش فرزندان رواج دارد. خانواده‌های طرد شده از اقوام و اجتماع؛ خانواده‌هایی که به معضلات اساسی مانند اعتیاد، سابقه سرقت، اشتها به فحشا از سوی یکی از والدین گرفتار هستند، به تدریج توسط اطرافیان، اعم از اقوام و دوستان طرد می‌شوند. چنین خانواده‌هایی به دو دلیل کانون کودک‌آزاری قرار می‌گیرند: اول آن که عللی چون اعتیاد، سابقه سرقت و ... زمینه‌های آزار کودکان را در آن خانواده‌ها فراهم می‌آورد. دلیل دوم به نداشتن ارتباط والدین با اطرافیان مربوط است. البته باید دانست همیشه کودک‌آزاری از سوی والدین انجام نمی‌شود، بلکه گاهی از سوی ناپدری، نامادری، معلم‌ان کودک در مدرسه، اولیا و یا سرپرستان قانونی صغار در مراکز هم‌چون بهزیستی صورت می‌گیرد (سمعی، ۱۳۷۱، ص ۷۱).

#### آثار سوء استفاده و آزار بر کودک

آثار سوء آزار و اذیت نسبت به کودکان به دو صورت کوتاه مدت و بلند مدت بروز می‌کند. عوارض و پیامدهای ناشی از آزار، به شدت مدت و تعداد آزار بستگی دارد و این، در بعد اختلالات و عوارض جسمی و عوارض روانی - عاطفی بررسی می‌شود. آثار طولانی مدت سوء رفتار بر کودکان می‌تواند باعث تأثیر بر رشد و نمو آن‌ها گردد. کودکان آزار دیده در برقراری ارتباط با دیگران، ایجاد روابط اجتماعی و دوست یابی نسبت به گروه کنترل توانایی کم‌تری از خود نشان می‌دهند. عوارض کودک‌آزاری را می‌توان به دو گروه عمده (جسمی و عاطفی) تقسیم بندی نمود:

الف) عوارض جسمی: این عوارض به دو صورت حاد و دیررس بروز می‌کند. این عوارض شامل اختلالات بینایی، شنوایی، پارگی و صدمات ارگان‌های داخلی، خونریزی

ناشی از صدمات فیزیکی وارد بر قفسه سینه و شکم و معلولیت می‌باشد. همچنین گاهی شدت صدمات به حدی است که موجب مرگ کودک می‌شود. در کودک‌آزاری ممکن است پارگی کبد- روده بند یا اثنی عشر، بدون این که هیچ اثر ظاهری بر روی پوست شکم دیده شود، به دنبال ضربه به شکم رخ می‌دهد.

ب) عوارض روحی - روانی: شامل اختلالات شناختی، شخصیتی، تجزیه ای، اضطرابی، تنبیه جسمی، اشکالات کلامی، کاهش اعتماد به نفس، افسردگی و افکار خودکشی و همچنین عقب ماندگی رشد اجتماعی است. آزار روحی کودک به دلیل این که تا مدت‌ها علائم بیرونی واضحی ندارد، پنهان‌ترین و مخرب‌ترین نوع آزار است. آزار روحی کودک به صورت پافشاری و تحکم افراطی و شدید به همراه پرخاشگری غیر منطقی والدین و یا سرپرست قانونی علیه کودک و یا وادار نمودن طفل به انجام دادن فعالیت‌هایی است که از توانایی و استعداد او خارج باشد. تحقیر و تمسخر مداوم کودک، کوچک کردن کودک در جمع، مانند کلاس درس، تهدیدهای کلامی، سرزنش در حضور دیگران، حبس کردن و یا ترساندن مکرر کودک از حبس، رها نمودن و یا ترک کردن وی موجب خدشه دار شدن شخصیت کودک و احساس عدم لیاقت و شایستگی در او می‌گردد. عدم عشق ورزی به کودک و بی توجهی به نیازهای عاطفی او، علاوه بر موارد مذکور، باعث آزار عاطفی و روحی شدید کودک می‌گردد و در دوره بعدی زندگی ممکن است به انسانی پرخاشگر، خشمگین، لجباز، بی‌انضباط و بی توجه به ارزش‌های اخلاقی خانواده و اجتماع تبدیل گردد و رفتارهای ضد اجتماعی از خود بروز دهد. خرده‌گیری و سرزنش دائم، اعمال ابتکاری کودک را از او می‌گیرد و کودک اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهد. در این صورت، کودک زود ناامید می‌شود. کودکان آزار دیده با دیگران ارتباط موثری نداشته و قابلیت پذیرش ارزش‌های اجتماعی را از دست می‌دهند. چنین کودکانی معمولاً به تعریف اطرافیان نیازمند هستند و زیر بار انتقاد نمی‌روند و همچنین غالب کودکان آزار دیده دائماً از نگرانی و تشویش رنج می‌برند (آقایگلویی، ۱۳۸۲، ص ۴۷).

### راهکارهای اساسی در پیشگیری از بروز بزه کودک‌آزاری

- ثبت دقیق تمام موارد تولد نوزادان در اسرع وقت، به طوری که مانع نوزاد کشی، فروش و ربودن کودک گردد؛
- بازنگری و اصلاح قوانین موجود در مورد حقوق کودکان و تصویب قوانین بازدارنده از تنبیه بدنی و سوء استفاده از کودکان؛
- منع قانون اعمال خشونت در سازمان‌ها و نهادها؛ مثل زندان‌ها، مدارس، مهدهای کودک و سایر موسسات؛
- رفع هرگونه نابرابری و تبعیض در مورد کودکان؛
- اجرای برنامه آگاه‌سازی و ارائه اطلاعات به والدین؛
- اصلاح نظام دادگستری ویژه نوجوانان منطبق با مقررات پیمان نامه حقوق کودک؛
- داشتن تعریف یکسان از کودک و کودک‌آزاری در قوانین؛
- دسترسی کودکان به مراکز مشاوره از طریق تلفن و حضوری؛
- تلاش در جهت کاهش فقر، اعتیاد و بیکاری؛
- برقراری یک سیستم گزارش دهی دائمی در سطح کشور برای موارد سوء استفاده از آزار کودکان.

### نتیجه

در شریعت اسلام و حقوق کنونی در مورد تربیت کودکان سفارش زیادی شده؛ ولی از محدوده تأدیب اطفال تفسیر درستی ارائه نگردیده است. همچنین در جامعه کنونی ما از کودک‌آزاری و از محدوده تأدیب تعریف دقیقی ملاحظه نمی‌شود. همین ضعف باعث گشته تا والدین و اطرافیان کودک به بهانه تنبیه و تربیت کردن آن‌ها را آزار داده و غافل از آن هستند که کودکان سرمایه‌های جامعه فردا می‌باشند و اگر آن‌ها به آسیب‌های روانی و جسمی دچار شوند، به تبع آن جامعه آینده را به مشکلات خود آلوده خواهند نمود و بازتاب شوم این پدیده برآیندگان مشهود خواهد بود. لذا برای



جلوگیری از پدیده کودک‌آزاری که متأسفانه در جوامع جهانی از سطح روستا و شهرها به مرزها و در بعد جهانی گسترش یافته و علوم جرم‌شناسی ثابت نموده که عقده‌های سرکوفته دوران کودکی باعث ناهنجاری و کجروی در بزرگسالی می‌شود، باید با در نظر گرفتن این مهم به پیشگیری و درمان آن پردازیم.

برای داشتن جامعه سالم از انواع تبهکاری‌ها، باید در اصلاح و تربیت فرزندان اهتمام تام بورزیم و با شناخت عوامل متعدد پدیده کودک‌آزاری همچون اعتیاد، در کاهش این عوامل سعی کنیم.



## منابع و ماخذ

۱. آقابیکلویی، عباس؛ رسول‌زاده، رضا و... (۱۳۸۲). *کودک‌آزاری*، تهران: انتشارات آوند دانش.
۲. پورناجی، بنفشه (۱۳۷۸). *مرگ خاموش، نگاهی به پدیده کودک‌آزاری*، تهران: انتشارات همشهری.
۳. حر عاملی، محمد (۱۳۸۸ ق). *وسایل الشیعه*، تهران: انتشارات مکتبه الاسلام.
۴. دلچگی، فردین (۱۳۷۵). *مقاله کودک‌آزاری - عوامل اثرات و راهکارها*، نهاوند: انتشارات بهزیستی شهرستان نهاوند.
۵. سمیعی، حمید (۷۱ - ۷۲). *جزوه درسی حقوق جزا، دانشکده حقوق، شیراز: دانشگاه شیراز*.
۶. شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۲). *بزهکاری اطفال و نوجوان*، تهران: انتشارات مجد.
۷. صحیفه سجادیه (۱۳۸۸ ق). تهران: انتشارات مکتبه الاسلام.
۸. عراقی، آفاضیاء (۱۴۰۸ ق). *کتاب القضاء*، قم: انتشارات موسسه آل‌البیت.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷). *الفرع من الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۰. محقق ثانی، علی بن حسین (۱۴۰۸ ق). *جامع المقاصد*، قم: انتشارات موسسه آل‌البیت.
۱۱. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۳۸۹ ق). *شرایع الاسلام*، نجف اشرف: انتشارات للاداب.
۱۲. محقق کمپانی (۱۴۱۲ ق). *حاشیه بر مکاسب شیخ*، ج ۲، بیروت: دارالهادی.
- محمدی فرود، حمید (۱۳۸۰). *نشریه اصلاح و تربیت*، تهران: انتشارات نیما.
۱۳. منصور، محمود (۱۳۶۲). *روانشناسی ژنتیک (تحول روانی از کودکی تا پیری)*، تهران: انتشارات رز.
۱۴. نجفی توانا، علی (۱۳۸۲). *نابهنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان از منظر جرم‌شناسی و اسناد بین‌الملل*، تهران: انتشارات راه تربیت.
۱۵. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۸ ق). *جواهر الکلام*، بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی.
۱۶. نوری، حسین (۱۴۰۸ ق). *مستدرک الوسائل*، بیروت: موسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.